

جشنواره را تشکیل می‌داد و نویدبخش بدنه تازه سینمایی بود که حالا دیگر قرار نیست با همان گروه‌های سابق و قدیمی و گاهی دارای رانت ادامه یابد.

نکته قابل نقد و تأمل اما عدم توجه آثار جشنواره چهل و یکم گیشه و تمرکز بر آثار حوزه مقاومت و دفاع مقدس بود. حضور تعداد کثیر آثار ارگانی با موضوع دفاع مقدس مانند اتاפק گلی، شماره ۱۰، سینما متروپل، گل‌های باورده، غریب و... جشنواره چهل و یکم راز حیات موضوعات و محتوا به یکی از جشنواره‌هایی تبدیل کرد که شاهد بیشترین تعداد آثار دفاع مقدسی در آن بودیم. آثاری که البته معلوم نیست چقدر بتوانند گیشه سینمای ایران در سال آینده راز وضعیت مهلک و محتضر فعلی نجات دهد و البته کارشناسان معتقدند این آثار ظرفیت چنین اتفاقی را ندارند و باید شاهد و احتمالاً شاهد شکست اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها در گیشه سال آتی خواهیم بود. اساساً میان تمام آثار تولید شده از سوی هارگان‌ها بعید است اگر به جز یکی دو مورد مانند بچه زرنگ، کت چرمی و غریب باقی آثار مورد حمایت ارگان‌های حاکمیتی بتوانند با توجه اقتصادی در گیشه همراه شوند؛ اتفاقی که باید تصمیم‌گیران و مسئولان و مدیران فرهنگی بیش از همیشه با آن دقت کنند.

به‌ر حال اما جشنواره چهل و یکم فیلم فجر در حالی که عده‌ای چشم انتظار تعطیلی آن بودند برگزار شد تا سینمای ایران به استقبال نسل جوانی برود که که اگر چه آثار اولشان در جشنواره چهل و یکم از حیث کیفیت و فرم تاریخی‌سازی نکردند، اما برآیند حضورشان نشان از ظهور جوانانی می‌دهد که قرار است در آینده سینمای ایران را متفاوت از آنچه که در دو دهه اخیر شکل گرفته پیش ببرند. نقطه عطف در جشنواره چهل و یکم حاشیه‌های قبلی و گذرای آن نبود و چیز دیگری بود؛ سلام به نسل تازه سینمایی ایران.



جشنواره چهل و یکم فیلم فجر در حالی که عده‌ای چشم انتظار تعطیلی آن بودند برگزار شد تا سینمای ایران به استقبال نسل جوانی برود که که اگر چه آثار اولشان در جشنواره چهل و یکم از حیث کیفیت و فرم تاریخی‌سازی نکردند، اما برآیند حضورشان نشان از ظهور جوانانی می‌دهد که قرار است در آینده سینمای ایران را متفاوت از آنچه که در دو دهه اخیر شکل گرفته پیش ببرند

برگزار شد بلکه به لحاظ شکلی بهتر از سال قبل هم برگزار شد. و تنها تفاوت جدی‌اش -که البته اتفاق مهمی است و نباید از آن به سادگی عبور کرد- عدم حضور بازیگرانی بود که از ماه‌ها قبل در لبه‌زناح با حاکمیت‌ایستاده بودند و طبیعی بود که نیایند و حتی آن‌هایی هم که آمدند عمدتاً لباس‌های مشکلی به تن کرده بودند. و این مهم‌ترین تأثیر طیفی بود که گمان می‌کردند نیامدنشان جشنواره تعطیل می‌کند. سینماگران و داووانی که مانی حقیقی فکر می‌کرد نمی‌آیند، آمدند و از آنها مهم‌تر میزان فروش بلیت فیلم‌های جشنواره هم نه تنها کم نشد که ده درصد هم افزایش یافت.

این اما جنبه شکلی جشنواره بود. از حیث محتوا البته باید جشنواره چهل و یکم را جشنواره ارگان‌ها و فیلم اولی‌ها دانست. حضور فیلم‌های ارگانی از سازمان اوج، حوزه هنری، بنیاد سینمایی فارابی، بنیاد شهید و بنیاد روایت فتح نکته‌ای بود که هر چند در نگاه اول جشنواره را به یک جشنواره ارگانی رهنمون می‌کرد اما از این حیث و از بابت تعداد آثاری که با حمایت ارگان‌های حاکمیتی را به جشنواره گذاشته‌اند تفاوت چندانی با سال‌های قبل نداشته؛ مگر آن که امسال تمام آثار حمایت‌شده از سوی ارگان‌های حاکمیتی به طور صریح از مشارکت در جشنواره فجر سخن گفتند و حمایت و مشارکت‌شان در آثار مختلف را کتمان نکردند. اتفاق نادرستی که سالیانی از سوی ارگان‌های دولتی در جشنواره فجر اتفاق می‌افتاد.

نکته مهم دیگر حضور موفق کارگردانان فیلم اولی در جشنواره چهل و یکم بود. این جشنواره میزبان کارگردانی بود که هر چند نخستین تجربه کارگردانی بلند سینمایی‌شان را تجربه می‌کردند، اما توانستند رضایت بخش و مطلوب در جشنواره حاضر شوند. حضوری که هر چند به درخشش نخستین حضور چهره‌هایی مانند محمدحسین مهدویان و سعید روستایی نبود، ولی جریان اصلی

تلاش کردند با ایجاد اجماعی گسترده و همه جانبه در میان هنرمندان، برای نخستین بار کاری کنند که جشنواره فجر از اعتبار لازم برای برگزاری بیافتد و انتظار داشتند به واسطه عدم حضور آن‌ها و تحریم و بایکوت آن‌ها این جشنواره بعد از ۴۰ سال اساساً به برگزاری نرسد و تعطیل شود. هر چند که برگزاری موفق و عبور جشنواره‌های فیلم کوتاه تهران و سینماحقیقت کمی شرايط این معادله را تغییر داده بود، اما همه میدانستند که به هر روی جنس جشنواره فجر از حیث میزان حضور پرننگ هنرمندان کنشگر سیاسی و ابعاد رسانه‌ای و اجتماعی در سطح کشور شرایط متفاوتی از جشنواره فیلم کوتاه تهران یا سینما حقیقت داشت. به خصوص این که برگزاری پر حاشیه جشنواره چهل و یکم و البته حضور مجتبی امینی که بیشتر به واسطه تهیه سریال امنیتی گاندو شناخته می‌شد، شرایط را جوری رقم میزد که در این نزاع جشنواره از حالت فرهنگی به یک گعده امنیتی سیاسی بدل شود؛ چیزی که در ماه‌های منتهی به برگزاری جشنواره بارها و بارها در رسانه‌های ضدایرانی به آن تأکید شد و صحبت از آن به میان می‌آمد که این جشنواره هیچ نسبتی با جامعه هنرمندان ایرانی ندارد و صرفاً امنیتی و سیاسی است. و به این‌ها اضافه کنید موج دستگیری و ممنوع‌الخروجی طیفی از هنرمندان که اعتراض شدید فاطمه اهالی هنر را در پی داشت و البته کشف حجاب عده دیگری و خروج از کشور و حمایت از جریانات منسوب به پهلوی از سوی عده دیگری از هنرمندان.

دوازدهم بهمن ماه ۱۴۰۱ اما پردیس سینمایی ملت در حالی میزبان نخستین روز جشنواره چهل و یکم بود که شرایط حضور اهالی رسانه و می‌همانان تقریباً تفاوت جدی با سال‌های قبل نداشت. جشنواره فجر که به طور جدی صحبت از تحریم آن از سوی طیف‌های روشنفکر سینما مانند انجمن منتقدان و بخشی از رسانه‌ها و... مطرح بود، در حالی که روز اول رسید که هم اهالی رسانه آمده بودند، هم منتقدان و هم میهمانان. جشنواره‌ای که این بار نه با ۲۲ فیلم، که با ۲۴ فیلم آغاز شد. تمام فیلم‌ها و نشست‌های خبری هر چند با عدم حضور اکثر بازیگران اما با نظمی قابل قبول و مطلوب به نمایش درآمد، سینماهای مردمی با بیش از ده درصد مخاطب بیشتر پذیرای مخاطبان بودند و اختتامیه جشنواره نیز با حضور هنرمندان، مسئولان و جریانات فرهنگی کشور درست مانند سالیان قبل برگزار شد تا سازمان سینمایی و دبیر جشنواره چهل و یکم از حیث ترتیب در برگزاری و ابعاد شکلی جشنواره آن هم در این سال خاص و عجیب سینمای ایران نمره قبولی بگیرند و حتی به لحاظ شکلی و نظم در اجرا چند قدم جلوتر از جشنواره چهل و یکم بایستند؛ جشنواره‌ای که عده‌ای انتظار تعطیلی‌اش را می‌کشیدند نه تنها

